

شیوه‌های تربیت فرزند از دیدگاه امام علی(ع)

مقدمه

سخن در باره تربیت و چگونگی آن از گذشته‌های دور در جوامع بشری مطرح بوده و با توجه به اینکه تحول و دگرگونی در جان آدمی و جوامع بشری منوط به آن است، این امر در آینده نیز همواره ادامه خواهد داشت. در جهان امروز نقش تعلیم و تربیت بر کسی پوشیده نیست و انسان به خاطر ویژگی تربیت‌پذیری‌اش از سایر مخلوقات متمایز شده و تنها از طریق تربیت و پرورش درست، به کمال نهایی دست می‌یابد و ارزش انسان را نیز می‌توان به میزان برخورداری او از تعلیم و تربیت مشخص کرد. اگر بخواهیم برای تربیت درست نسل امروزی طرح و برنامه جامع و کامل داشته باشیم، می‌بایست از توصیه‌ها شیوه‌های و تربیتی پیشوایان معصوم بهره گیریم. زیرا انسان مسلمان برای پیمودن راه سعادت و بندگی احتیاج به الگوهای مطمئن عملی دارد تا با نصب‌العین قرار دادن دیدگاه‌ها و سیره عملی آنان، هم راه صحیح بندگی و سعادت را بییماید و هم در این وادی سریع‌تر گام نهاده به مقصد نائل آید، از این رو، برای تربیت صحیح فرزندان ما معصومین(ع) بهترین و مطمئن‌ترین الگوهای تربیتی بوده و ارائه دیدگاه‌ها و کشف و عرضه سیره تربیتی آنان یک ضرورت انکارناپذیر برای پویندگان عرصه تعلیم و تربیت اسلامی است و در این میان، ارائه دیدگاه‌ها و سیره تربیتی امام علی(ع) از اهمیت ویژه برخوردار است. بدین منظور در این نوشتار، به بخشی از شیوه‌های تربیتی آن حضرت که بیشتر در نهج‌البلاغه آمده است، پرداخته می‌شود.

مفهوم تربیت

در کتب لغت برای واژه تربیت سه ریشه ذکر شده است؛ که نوعی پروراندن، رشد دادن و افزودن در تمام آن‌ها مشترک است. راغب اصفهانی تربیت را به معنای دگرگون کردن گام‌به‌گام و پیوسته هر چیزی می‌داند تا به کمال مطلوب برسد. «رب؛ الرَّبُّ فِي الْأَصْلِ: التَّرْبِيَةُ، وَ هُوَ إِنْشَاءُ الشَّيْءِ حَالًا فَحَالًا إِلَى حَدِّ التَّمَامِ، يُقَالُ رَبَّهُ، وَ رَبَّاهُ وَ رَبَّيْتُهُ»^۱. در لسان العرب نیز تربیت از ریشه رب ذکر شده است و بر معلم و مربی رب اطلاق شده است: «الرَّبُّ يُطْلَقُ فِي اللُّغَةِ عَلَى الْمَالِكِ، وَ السَّيِّدِ، وَ الْمُدَبِّرِ، وَ الْمُرَبِّيِّ، وَ الْقَيِّمِ، وَ الْمُنْعِمِ قَالَ: وَ لَا يُطْلَقُ غَيْرَ مُضَافٍ إِلَّا عَلَى اللَّهِ، عَزَّ وَ جَلَّ»^۲

اهمیت تربیت فرزند از نگاه امام علی(ع)

تربیت صحیح از حیاتی‌ترین ابعاد زندگی انسان بوده و در پرتو آن، انسان به سعادت مطلوب نائل می‌آید. حضرت امیرالمؤمنین (ع) به تکرار از این امر مهم سخن گفته و آثار و نتایج مثبت تربیت صحیح فرزند و پیامدهای منفی بی‌توجهی به آن را بیان داشته است. آن حضرت در سخن کوتاه و درعین حال عمیق و ظریف،

تربیت و ادب‌آموزی را میراثی بی‌مانند تلقی نموده و می‌فرماید: «لامیراث کالادب»^۲ هرگز دارایی‌های باقیمانده مادی، قابل‌مقایسه با میراث گران‌بهای ادب و تربیت صحیح برای فرزندان نیست. از این‌روست که در سخنی دیگر، آن حضرت فرمود: «خیر ماورث الآباء للأبناء الادب» گران‌بهارترین چیزی که پدران برای فرزندانشان به ارث می‌گذارند، ادب است.^۴

امام علی(ع) ثمره و محصول تربیت صحیح را پرورش فرزند صالح و پیامد بی‌توجهی به امر خطیر تربیت را رشد یافتن فرزند ناصالح برشمرده و برای هریک از این دو، آثار و نتایج مثبت و منفی بیان نموده‌اند. از دیدگاه آن حضرت فرزند صالح مایه انس و آرامش والدین است لذا می‌فرماید: «الانس فی ثلاثه، الزوجه الموافقه والولد الصالح و الاخ الموافق» انس و آرامش در سه چیز است: همسری که با شوهرش توافق داشته باشد، فرزندی که صالح باشد و برادری که موافق و هم‌رأی انسان باشد.^۵

از طرفی آن حضرت آثار سوء و پیامدهای منفی تربیت نادرست فرزند را مورد توجه قرار داده و همه پیروان خود را از بی‌توجهی به تربیت صحیح فرزندان بر حذر داشته است. ایشان فرزند ناصالح را مایه نابودی شرف و عیناک‌کننده پیشینیان خود معرفی کرده و می‌فرماید: «ولد السوء یهدم الشرف و یشین السلف»^۶ همچنین در کلام دیگر فرزند ناصالح را مایه محنت و شومی دانسته است: «ولد عقوق محنة و شئوم»^۷ فرزند ناصالح نه تنها خود را نابود می‌سازد، که چه‌بسا ممکن است پدر صالح و شایسته را به انسان ناصالح مبدل گرداند؛ امیرالمؤمنین(ع) درباره زبیر فرموده است: «... مازال الزبیر رجلاً منّا اهل البیت حتی نشاء ابنه المشؤوم عبدالله»^۸ پیوسته زبیر مردی از ما اهل‌بیت بود تا اینکه فرزند شوم و ناخلف او عبدالله بزرگ شد.

تربیت‌پذیر بودن فرزند از دیدگاه امام علی(ع)

از نگاه امیر بیان امام علی(ع) فرزندان انسان تربیت‌پذیرند و اگر پدر و مادر از شیوه‌ها و اصول تربیتی آگاه باشند، از این ویژگی انسان به‌خوبی بهره برده، فرزندان خویش را در رسیدن به بالاترین درجه‌های علمی و معنوی یاری می‌رسانند. آن حضرت بر اساس اصل «تربیت‌پذیر بودن انسان»، یکی از حقوق فرزندان بر پدر را، تربیت شایسته فرزند می‌داند و می‌فرماید: «حق الولد ان یحسن اسمه و یحسن ادبه و یعلمه القرآن»^۹ حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او برگزیند و به‌خوبی ادب و تربیتش کند و به وی قرآن بیاموزد. آن حضرت در کلامی دیگر فرموده است: «ما نحل والد ولداً نحلّاً افضل من ادب حسن»^{۱۰} هیچ پدری به فرزندش، موهبتی مانند تربیت نیکو نبخشیده است. آن حضرت در سخنی در این‌باره، به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید: «فبادرتک بالادب قبل ان یقسو قلبک و یشغل لبک»^{۱۱} پیش از آنکه قلب تو دچار قساوت و اندیشه‌ات سرگرم [امور بیهوده] شود، به تربیت تو پرداختم. قبل از این کلام، حضرت فرموده است «وانما قلب الحدث کالارض الخالیة ما القی فیها من شیء قبلته» به‌درستی که دل جوان همچون زمین نکاشته است، هرچه در آن افکنند، بپذیرد. از این قبیل سخنان حضرت که در شرایط مختلف بیان داشته است، تربیت‌پذیر بودن انسان در سنین کودکی و نوجوانی به‌خوبی استفاده می‌شود.

ابعاد تربیت از نگاه امام علی(ع)

انسان موجودی است که از شئون گوناگونی برخوردار است و از جنبه‌های بدنی، روحی، عقلی، عاطفی و معنوی سامان یافته است. بنابراین ابعاد و ساحت‌های تربیت در مورد او متنوع و متعدد خواهد بود؛ از قبیل تربیت اخلاقی، تربیت دینی، تربیت جسمانی، تربیت اجتماعی، تربیت سیاسی و... که در سیره تربیتی امام علی(ع) نیز به ابعاد و انواع تربیت توجه شده است که بررسی کامل و مفصل هر یک از این ابعاد و انواع، نیازمند ارائه یک مقاله مستقل است و در اینجا به صورت اشاره و گذرا به برخی آن‌ها که در دوران کودکی و نوجوانی از اهمیت بیشتری برخوردار است، نظر می‌افکنیم.

۱. تربیت دینی

تربیت دینی در کودکی از اهمیت بسیار برخوردار است. اگر کودک در این بعد به‌خوبی پرورش یابد، در ابعاد دیگر تربیت با هزینه کمتری صورت می‌گیرد. مراد از تربیت دینی محدوده خاصی است، هرچند تربیت دینی به یک معنا بسیار عام و گسترده است و شامل همه ابعاد وجودی انسان می‌گردد اما در اینجا، مراد از تربیت دینی، مقابل تربیت اخلاقی، اجتماعی و سایر ابعاد است و عمدتاً حوزه مربوط به عقاید و احکام عبادی از دین را شامل می‌گردد. تربیت دینی به این معنا در سیره تربیتی امام علی(ع) از اهمیت ویژه برخوردار است که در ادامه به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد.

الف. نماز

نماز یکی از بارزترین مصادیق تربیت دینی، بزرگ‌ترین فریضه الهی و پیش‌درآمد قبولی سایر اعمال و عبادات است. امام علی(ع) در طول عمر با برکتش زیباترین جلوه‌ها را در نماز به نمایش گذاشت و فرزندان خود را بدان سفارش می‌نمود. در وصیتی به امام حسن (ع) و تمامی خانواده و فرزندان آن‌ها را به نماز سفارش کرده می‌فرماید: از خدا بترسید، از خدا بترسید درباره نماز زیرا که نماز بهترین کارها و ستون دین شماس است.^{۱۲} حضرت همچنین همه پیروان خود را به تعلیم نماز به فرزندان و سعی در تشویق آنان به مداومت بر آن، فراخوانده است. آن حضرت فرمود: «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ»^{۱۳} در کودکی به فرزندان تان نماز را تعلیم دهید و هنگام بلوغ، آنان را به نماز وادارید. امام علی(ع) در مورد نماز بین دوره کودکی و بلوغ فرق گذاشته‌اند، در دوره کودکی تا قبل از ده‌سالگی فقط سفارش به آموزش و تعلیم نماز نموده‌اند و تنها به اقدام زبانی و سفارش کلامی اکتفا نموده‌اند، حضرت خطاب به یکی از اصحاب فرمود: کودکان اهل خانه‌ات را با زبان به نماز و طهارت تأدیب نما و وقتی به سن ده‌سالگی رسیدند، آنان را بر ترک آن، تنبیه بدنی نما ولی از سه بار بیشتر تجاوز نکند.^{۱۴}

ب. آموزش قرآن

در تربیت دینی قرآن جایگاهی بس عظیم دارد. حضرت امیر در نامه تربیتی خود به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید: «وَأَنَّ ابْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ وَتَأْوِيلِهِ وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَاحْكَامِهِ وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ»^{۱۵} نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تأویل آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم. و در توصیه به فرزندش محمد بن حنیفه، می‌فرماید: بر تو باد به خواندن قرآن و عمل کردن به

آنچه در آن است و اینکه به مقررات و دستورات حلال و حرام آن و امر و نهی آن پای بند باشی. همچنین خواندن قرآن را در شب و روز و هنگام تهجد بر خود لازم بدانی...^{۱۶}

ج. تعلیم دعا

درخواست از خداوند و تضرع به درگاه او در تربیت دینی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. دعا ابزاری است که بنده را به خالق پیوند می‌دهد و از طریق آن، نیازهای فردی و درونی خویش را با خداوند قادر متعال در میان می‌گذارد. امام علی(ع) در سیره تربیتی خویش به دعا اهمیت زیادی قائل شده‌اند. آن حضرت هم دعا‌هایی را به فرزندان خود تعلیم می‌دادند و هم آنان را بر مداومت بر آن توصیه می‌کرد. حضرت در واپسین لحظات عمر خویش و در هنگام احتضار نیز از این امر غافل نبود و به فرزند خویش امام حسن (ع) دعایی را تعلیم نمود.^{۱۷}

د. آشنایی با علوم اهل بیت (ع)

از جمله عناصر مهم تربیت دینی در فرهنگ علوی آشنا ساختن فرزندان با سخنان و علوم اهل بیت (ع) است. بر والدین لازم است که عقاید حقّ شیعه را به فرزندان خود تعلیم داده و بذر محبت ائمه معصومین(ع) را در دل‌های آنان بیفشانند و آنان را با معارف غنی و روشنگر اهل بیت(ع) آشنا سازند. در حدیثی از امام علی(ع) نقل شده است که حضرت فرمود: «عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مِنْ عِلْمِنَا مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمُ الْمَرْجُئَةُ بِرَأْيِهَا»^{۱۸} به کودکان خود آن مقدار از دانش ما که به حال آنان مفید است، تعلیم دهید تا اندیشه و نظر مرجئه بر آنان غالب نگردد.

۲. تربیت اخلاقی

یکی از ابعاد مهم تربیت اسلامی، تربیت اخلاقی است. مراد از تربیت اخلاقی اعمال روش‌ها و به‌کارگیری اصولی است که در پرتو آن‌ها فرد فضایل اخلاقی را کسب می‌کند و صفات رذیله را از خود دور می‌سازد. با مطالعه و بررسی سیره تربیتی امام علی(ع) به‌خوبی آشکار می‌گردد که آن حضرت تربیت اخلاقی را در کنار تربیت دینی مهم‌ترین و اساسی‌ترین بعد تربیت به شمار آورده است. آن حضرت بیشترین تلاش خویش را صرف این دو بعد تربیتی فرزندان کرده است. نامه‌ها و وصایای آن حضرت به فرزندان گواه صادقی بر این مدعاست. بررسی تربیت اخلاقی فرزندان از دیدگاه امام علی(ع) و سیره آن حضرت، کتابی مستقل نیاز دارد. بدین سبب، تنها برخی از روش‌های تربیت اخلاقی مورد نظر آن حضرت را بررسی قرار می‌کنیم:

الف. الگوی عملی

مهم‌ترین و کارآمدترین روشی که ائمه (ع) در تربیت اخلاقی فرزندان شان به کار می‌گرفتند، رفتار عملی آنان بود. آن‌ها خود الگوی کامل و مطمئن اخلاقی برای فرزندان شان بودند. اعمال و رفتارشان هر لحظه در منظر فرزندان قرار داشت و فرزندان با دیدن آن‌ها مشق زندگی می‌گرفتند. سیره تربیتی حضرت امیرالمؤمنین(ع) سرشار از رفتارهای عملی است که برای همه سرمشق بود.

ب. موعظه

یکی از روش‌های تربیت اخلاقی پند دادن و نصیحت کردن است که در سیره تربیتی امام علی(ع) بسیار دیده می‌شود. آن حضرت در فرصت‌های مناسب فرزندان خویش را پند می‌داد و دل‌های پاک و نورانی آنان را نورانی‌تر می‌ساخت. روش تربیتی موعظه چنان در سیره تربیتی آن حضرت مهم بود که حتی در بستر شهادت از آن بهره جست. نامه طولانی حضرت به فرزندش از مهم‌ترین جلوه‌های این روش تربیتی شمرده می‌شود.

ج. یاد مرگ و قیامت

از دیگر روش‌های تربیت اخلاقی یاد مرگ و قیامت است. یاد مرگ و قیامت موجب می‌شود انسان از آرزوهای مادی جدا گردیده و از آلوده شدن به گناه و معصیت دوری گیرند. امام علی(ع) در خطبه‌ها و نامه‌هایش همواره مرگ را یادآوری می‌کرد و بخصوص فرزندانش را به فراموش نکردن آن توصیه می‌فرمود. حضرت در نامه‌ای معروف به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید: «یا بنی اکثر من ذکر الموت و ذکر ما تهجم علیه و تفضی بعدالموت الیه، حتی یأتیک و قد اخذت منه حذرک و شدت له از رک...»^{۱۹} فرزندم! فراوان به یاد مردن باش و به یاد موقعیتی که در آن قرار می‌گیری و پس از مردن بدان روی می‌کنی تا چون بر تو درآید، ساز خویش را آراسته و کمر خود را بسته باشی چنان نباشد که ناگهان مرگ تو را دریابد و بر تو چیره گردد.

۳. تربیت اجتماعی

یکی از ابعاد تربیتی که بیشتر در سنین نوجوانی و جوانی کاربرد دارد، تربیت اجتماعی است. از سیره و گفتار امیر مؤمنان علی(ع) به‌خوبی استنباط می‌شود که حضرت به معاشرت با جمع و جماعت معتقد بوده و گوشه‌گیری از مردم را روا نمی‌دانست و برای معاشرت و برخورد با مردم، توصیه‌ها و شیوه‌های را گوشزد می‌نموده است که به برخی آن‌ها به‌اختصار اشاره می‌شود.

الف. معاشرت شایسته با مردم

امام علی(ع) اصولی را در معاشرت و برخورد مناسب با مردم بیان نموده است از جمله:

۱. خوش اخلاقی با مردم

حضرت در زمینه خوش اخلاقی در برخورد با دیگران می‌فرماید: «حسن الخلق خیر قرین»^{۲۰} خوش خلقی بهترین همدم (برای انسان) است. در جای دیگر امام(ع) راه سلامت ماندن در میان مردم را، اخلاق نیکو برشمرده و می‌فرماید: «تسلم من الناس بحسن الخلق»^{۲۱} با خوش اخلاقی، خود را از شر مردم نگاه‌دار.

۲. نیکو سخن گفتن با دیگران

حضرت خطاب به فرزندش امام حسین(ع) می‌فرماید: «اعلم ای بنی انه من لانت کلمته، وجبت محبته»^{۲۲} ای فرزندم! بدان هر کس که سخنش نرم باشد، مهر و محبتش به دیگران ضرورت یابد.

باز می‌فرماید: «ولا تقل ما لا تعلم بل لا تقل كلما تعلم و لا تقل ما لا تحب ان يقال لك»^{۲۳} آنچه نمی‌دانی نگو! بلکه هر آنچه می‌دانی، اظهار مکن! نیز حرفی را که نمی‌خواهی به تو بگویند، مگو.

۳. خیرخواهی برای دیگران

امیرالمؤمنین(ع) خطاب به امام حسن می‌فرماید: «وامحض اخاك النصيحة حسنة كانت او قبحه و ساعده على كل حال»^{۲۴} خالصانه برای برادرت خیرخواهی کن، بپسندد یا نپسندد، و در هر حال با او مساعدت کن.

۴. رعایت ادب

حضرت به فرزندش امام حسین(ع) می‌فرماید: «الادب خیر میراث»^{۲۵} ادب، بهترین ارث از گذشتگان است. امام در زمینه برخورد نیک با دیگران توصیه‌های زیادی دارد که به ذکر همین چند مورد اکتفا می‌شود.

ب . داشتن ارتباط سازنده

حضرت امیرالمؤمنین(ع) داشتن ارتباط و هم‌نشینی با برخی از اقشار و اصناف را به فرزندان و رهروان خود توصیه می‌کند و معتقد است ارتباط با چنین افرادی، تأثیر شگرفی بر رشد و پیشرفت معنوی و فرهنگی انسان دارد. از جمله آن‌ها افرادی است که در ذیل می‌آید:

۱. ارتباط با علما

امام علی(ع) ارتباط با دانشمندان را سودمند دانسته و به هم‌نشینی و ارتباط با علما و دانشمندان توصیه اکید دارد و به فرزند خود امام حسین(ع) می‌فرماید: «و من خالط العلماء وقر»^{۲۶} هرکس با دانشمندان معاشرت داشته باشد، با وقار گشته و مورد تکریم قرار می‌گیرد.

۲. ارتباط با خویشاوندان

ارتباط عاطفی و صمیمی با بستگان یا صله‌رحم، یکی دیگر از توصیه‌ها و تأکیدات امام علی(ع) در عرصه تربیت اجتماعی است. با این ارتباط، همبستگی فAMILI استحكام یافته و اختلافات جزئی تبدیل به بحران و درگیری نخواهد شد. امام خطاب به فرزندش امام حسین(ع) می‌فرماید: «ارتباط با بستگان، نشان از بزرگی است. اگر از خویشانت بریدی، دیگر چه کسی می‌تواند به تو امیدوار و یا به پیوندت اطمینان داشته باشد؟»^{۲۷} و هم‌چنین می‌فرماید: «خویشانت را عزیز شمار، آنان بال و پر تو اند که با آن‌ها پرواز می‌کنی و ریشه تو اند که به آن‌ها باز می‌گردد و به آن‌ها بر دشمن چیره می‌شوی. خویشان، ذخیره روز مبادا هستند؛ کریمشان را گرامی شمار، بیمارشان را عیادت کن، در کارها شریکشان ساز و در مشکلات بر آن‌ها آسان گیر»^{۲۸}.

۳. ارتباط با مؤمنان

حضرت برقراری ارتباط با افراد مؤمن را مورد تأکید قرار داده است و به فرزند خود امام حسن(ع) چنین توصیه می‌فرماید: «اطع اخاك و ان عصاك و صله و ان جفاك»^{۲۹} از برادرت اطاعت کن، گرچه او از تو نافرمانی کند و با او ارتباط داشته باش، هرچند به تو جفا کند. هم‌چنین می‌فرماید: «احمل نفسك من اخيك عند صرمه على الصله و عند صدوده على اللطف و المقاربة و عند جموده على البذل و عند تباعده على الدنو و عند شدته على

الین و عند جرمه علی العذر...»^{۳۰} آنگاه که برادرت از تو برید، خود را به پیوند وادار و هنگام اعراض، بر مهربانی و درخواست وادار، و چون بخل ورزد از بخشش دریغ مدار و هنگام دوری کردن از نزدیک شدن، و به وقت سختگیری اش از نرمی کردن و به هنگام گناهش از عذر خواستن مضایقه مکن، چنانکه گویی تو بنده‌ای و او ولی نعمت. حضرت هم‌چنین در زمینه ارتباط با همسایه، اهل خیر و... توصیه نموده و برارتباط درست با آنها تأکید کرده است.

شیوه‌های تربیتی امام علی(ع)

بررسی شیوه‌های تربیتی در نظام تعلیم و تربیت اسلامی از جایگاهی بسیار مهمی برخوردار است. در واقع درخت پرثمر تربیت آنگاه به بار می‌نشیند که نکات تربیتی در قالب شیوه‌های درست و مناسب در امر تربیت فرزندان به اجرا درآید. امام علی(ع) در سیره تربیتی خویش روش‌ها و شیوه‌هایی را به کار گرفته است که اگر به‌خوبی از آن پیروی شود و در شرایط مناسب از آن استفاده گردد، قطعاً پرثمر خواهد بود.

۱. اهتمام به تربیت فرزند

تربیت درست فرزندان آن‌گاه به‌خوبی صورت می‌گیرد، که موضوع تربیت فرزند به دغدغه‌ای ذهنی پدر و مادر تبدیل شود. پدر و مادری که به تربیت فرزند اهتمام ندارند، یا از تربیت فرزندان خویش باز می‌مانند یا آن‌ها را نادرست تربیت می‌کنند. دل نگرانی تربیت فرزند، پدر و مادر را نسبت به فرزندان خویش مسئولیت پذیر ساخته، آن‌ها را به کسب آگاهی در باره تربیت فرزند وامی‌دارند و مانع از دست دادن فرصت‌ها می‌شود. نمونه‌ای بارز از دغدغه امام علی(ع) در باره تربیت فرزند، نامه‌ی وی به امام حسن (ع) است که در هنگام بازگشت از جنگ صفین نوشته است. ایشان به تأخیر انداختن بیان توصیه‌های تربیتی خویش به فرزندش را پس از رسیدن به خانه، نوعی از دست دادن فرصت در تربیت دانسته است. لذا پیش از بازگشت به خانه این نامه را برای امام حسن (ع) نوشته و توصیه‌های لازم را ارائه داد.

۲. استفاده از فرصت‌ها

یکی از توصیه‌های مهم امام علی (ع) به والدین این است که از فرصت‌ها پیش از نابودی آن‌ها استفاده نمایند. امام در این باره به فرزندش امام حسن(ع) می‌فرماید: «ای بنی، انی لما رأیتی قد بلغت سناً و رأیتی ازداد وهنا بادرت بوصتی الیک، و اردت خصالاً منها قبل ان یعجل بی اجلی دون ان افضی الیک بما فی نفسی، او ان انقص فی رأیی کما نقصت فی جسمی...»^{۳۱} فرزندم، هنگامی که دیدم سالیانی از من گذشت و توانایی‌ام رو به کاستی رفت، به نوشتن وصیت برای تو شتاب کردم و ارزش‌های اخلاقی را برای تو برشمردم؛ پیش از آن‌که اجلم فرارسد و رازهای درونم را به تو منتقل نکرده باشم و پیش از آن‌که در نظرم کاهشی پدید آید، چنان‌که در جسمم پدید آمده است و پیش از آن‌که در تو زمینه پذیرش از میان برود. این کلام به ما می‌آموزد که هرگاه زمینه کار خیری فراهم شد و وقت انجام دادن آن فرارسید، کوتاهی و سهل‌انگاری نکنیم؛ زیرا ممکن است در آینده زنده نباشیم یا توان انجام این کار را نداشته باشیم.

۳. توجه به همه ساحت‌های تربیت

در نهاد انسان گرایش‌هایی مختلفی وجود دارد که برخی آن‌ها جنبه جسمی دارد و برخی جنبه روحانی. در واقع، انسان هم نیازهای مادی و جسمی دارد و هم نیازهای معنوی و روحی. والدین موفق کسانی هستند که به هر دو نیاز فرزند توجه کنند و با برآوردن نیازهای روحی و جسمی او، هم به پرورش روح او اهتمام ورزند و هم به پرورش جسمش. حضرت امیر (ع) به‌عنوان بهترین الگو در تربیت فرزند، هم به تربیت روحی فرزند سفارش کرده است و هم به تربیت جسمی او. چنانچه اهتمام به این امر از نامه معروف وی به امام حسن (ع) پیداست.

۴. روش محبت و مدارا

یکی از مؤثرترین شیوه‌های تربیتی، به‌کارگیری محبت است. محبت والدین به فرزند جاذبه می‌آفریند، انگیزه خلق می‌کند. انسان‌های پرتلاطم و مضطرب را آرامش می‌بخشد و فرزندان نابهنجار و ناسازگار را آرام می‌کند. محبت شیوه‌ای است که به مرحله‌ای خاص از تربیت اختصاص ندارد؛ اما کودکان و نوجوانان بیشتر به آن نیازمندند. از آنجا که محبت با سرشت و فطرت آدمی سازگار است و پذیرش آن از ناحیه درون و به دور از هیچ تحمیلی است، باید مرییان تربیتی به‌ویژه خانواده‌ها برای جذب فرزندان و جلوگیری از انحراف آنان بدان متوسل شوند و آگاه باشند که اگر خانواده کانون محبت باشد، فرزندان کمتر به ناهنجاری‌های جامعه تن می‌دهند. در شیوه تربیتی امام علی (ع) کمال محبت و عاطفه آن وجود گرامی را در برابر فرزندانش شاهدیم؛ از جمله آنگاه که به امام حسن مجتبی (ع) در بیان وصایای خود چنین خطاب می‌کند: «فرزندم! تو را دیدم که پاره تن من بلکه همه جان منی؛ آن‌گونه که اگر آسیبی به تو رسد، به من رسیده است و اگر مرگ به سراغ تو آید، زندگی مرا گرفته است. پس کار تو را کار خود شمردم و نامه‌ای برای تو نوشتم تا تو را در سختی‌های زندگی رهنمون باشد»^{۳۲} بر اساس سیره و شیوه تربیتی امام علی (ع)، برای تربیت فرزند لازم است که با مدارا، ابتدا شفقت و دلسوزی و مهربانی خود را به اثبات رسانیم و این شیوه را در سطح گسترده برای همه در پیش گیریم. آن امام همام در تربیت افراد جامعه نیز به اصل تألیف قلوب و محبت و مدارا بسیار توجه می‌کرد و بر اشاعه آن تأکید می‌ورزید: «قلوب الرجال وحشية فمن تألفها قبلت عليه»^{۳۳} دل‌های مردم وحشی و پراکنده است، به کسی روی می‌آورند که با آن‌ها خوش‌رویی و مدارا نماید.

۵. احترام به شخصیت کودک

یکی دیگر از روش‌های مهم تربیتی، شیوه احترام به شخصیت فرزند و واگذار کردن کار و مسئولیت به او است. کودک یک انسان است و هر انسانی به شخصیت خویش علاقه‌مند است. میل دارد دیگران قدرش را بدانند و به شخصیت او احترام بگذارند. منظور از احترام رفتار عملی است که احساس ارزشمندی و رضایت و خشنودی برای طرف مقابل ایجاد می‌کند. پدران و مادرانی که به شخصیت فرزندان خویش علاقه‌مند هستند باید همواره احترام آن‌ها را رعایت کنند و وجودشان را گرامی بدارند. احترام به کودک یکی از عوامل مهم در

پرورش شخصیت کودک به شمار می‌رود، احترام به فرزند و تکریم شخصیت او، اعتماد به نفس را در وی تقویت می‌کند و او را برای انجام مسئولیت‌های مهم فردی و اجتماعی آماده می‌سازد. امیر مؤمنان (ع) فرمود: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفَرْ لَكُمْ»^{۳۴} فرزندان را گرامی بدارید و آنان را نیکو تربیت و ادب کنید تا آمرزیده شوید. چنانچه پیش از آن حضرت، پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده است: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ»^{۳۵}. فرزندان را بزرگ دارید و با آنان رفتاری نیکو کنید. از طرفی، سرزنش و تحقیر زیاد، آتش لجاجت و دشمنی را در او شعله‌ور می‌سازد. امام علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «الافراط فی الملامه یشب ناراللجاجة»^{۳۶} زیاده روی در سرزنش، آتش لجاجت را در فرد روشن می‌کند.

۶. شیوه‌های تشویق و تنبیه، عفو و تغافل

تشویق به معنای برانگیختن، به شوق آوردن، راغب ساختن و شایق کردن است^{۳۷} و تنبیه به معنای بیدار کردن، آگاه کردن، هشیار ساختن و ادب کردن است.^{۳۸} یکی از روش‌های تربیتی دین اسلام، تمسک به عفو و تغافل و تنبیه و تشویق افراد است که در باب برتری هر یک از ملاک‌ها، بحث‌ها و گفتارهای بسیار وجود دارد. چون انسان جایز الخطاست و مصون از اشتباه و خطا نیست، اگر در مسیر دچار سهوی شود، نباید چنان مورد عتاب و خطاب قرار گیرد که از ادامه راه بازماند و از خودباوری و اعتماد به نفس فاصله بگیرد. اما باید در مسیر تربیت فرزندان در خانواده‌ها و افراد در جامعه، معیار و میزان تنبیه و تشویق به‌خوبی شناخته و مراعات شود؛ چنان‌که ائمه اطهار (ع) با شناختی که از نهاد افراد و قابلیت‌های شان داشتند، به این مهم یعنی تقدم عفو و تشویق بر تنبیه و مجازات مبادرت می‌ورزیدند. امام علی (ع) در دستگاه عدالت خود هر یک آن‌ها را در جای مناسب خود به کار می‌بست. حضرت امیر (ع) درباره نقش پاداش و کیفر الهی در تربیت آدمی می‌فرمایند: «ان الله سبحانه وضع الثواب علی طاعته، و العقاب علی معصيته زیادة لعباده عن نعمته، و حیاشة لهم الی جنته»^{۳۹} همانا خدای سبحان، پاداش را بر طاعت و کیفر را بر معصیت خود قرار داده است تا بندگان را از عذاب خویش بازدارد و به‌سوی بهشت روانه سازد.

در تربیت انسان، اصل بر تشویق و ترغیب است نه تنبیه و مجازات. امام علی (ع) نیز به این اصل اشاره می‌فرمایند: «ضادوا الشر بالخير»^{۴۰} به‌وسیله خوبی با بدی بستیزید. البته تشویق باید به‌اندازه باشد تا اثرات منفی به جا نگذارد. حضرت به این امر اشاره دارند؛ آنجا که می‌فرمایند: «الثناء باکثر من الاستحقاق ملق، و التقصیر عن الاستحقاق عی او حسد»^{۴۱} ستایش بیش از استحقاق، تملق است و کمتر از استحقاق، درماندگی یا رشک بردن است. در تنبیه برخی راه افراط را می‌پیماید و معتقد است، کودک به جهت طبع و مزاج ناسالم، لایق سخت‌ترین نوع تنبیه است و در افغانستان بیشتر والدین این روش را انتخاب می‌کند. و برخی دیگر تفریط می‌کند و باور دارند که باید همواره در برابر تمایلات بی‌حد و مرز کودک و نوجوان تسلیم بود. هر دو روش در سیره علوی مردود است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «من اهل نفس اهلکها»^{۴۲} هر که نفس خود را واگذارد، هلاکش گرداند. حضرت امیر، تشویق و تنبیه را به‌عنوان دو عامل پیش برنده و بازدارنده تربیت می‌پذیرد، منتها اصل را

بر تشویق می‌گذارد؛ یعنی در عین حالی که وجود تنبیه را لازم و ضروری می‌داند، اما معتقد است که میزان پاداش، تشویق و محبت همواره باید بیشتر از میزان تنبیه و مجازات باشد. حضرت می‌فرماید: هرگونه نسنجیدگی و بی‌دقتی در امر تنبیه فاجعه آور است و اثرات منفی دارد: «الافراط فی الملامة یشب نار اللجاجة»^{۴۳} افراط در سرزنش کردن، میزان لجاجت را افزون‌تر می‌کند. حضرت امیر در جای دیگر می‌فرماید: «نَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْأَدَبِ وَالْبَهَائِمُ لَا يَتَعَطَّى إِلَّا بِالضَّرْبِ»^{۴۴} پندپذیری انسان عاقل به وسیله‌ی ادب و تربیت است، چارپایان و حیوانات اند که تنها با ضرب و زدن، تربیت می‌شوند. تنبیهات بدنی گاهی ضررهای غیرقابل جبرانی را به همراه دارد از آن جمله:

۱. کودک نسبت به والدین حس بدینی پیدا می‌کند، و حالت سرکشی در او برانگیخته می‌شود.
 ۲. کودک عادت می‌کند در برابر زور بدون چون و چرا تسلیم گردد و با این باور می‌رسد که زورگو و قلدر پیروز است.
 ۳. کودک ترسو بار می‌آید و شخصیتش درهم شکسته و تعادل روحی‌اش به هم می‌خورد.
- بیشتر والدین برای تربیت کودکان از تنبیهات غیر بدنی از قبیل حبس کردن کودک در محل‌های وحشتناک، سرزنش، اهانت، دشنام و غیره استفاده می‌کند که ضررشان کمتر از تنبیهات بدنی نیست و سبب می‌شود که کودک هم، چنین رفتار و گفتاری را از خود نشان دهد و کم‌کم به آن‌ها عادت کند. در باره روش تغافل نیز باید توجه داشت که انسان همواره در معرض خطا و اشتباه است و یکی از روش‌های تربیتی آن است که انسان با آگاهی از تخلف دیگران، خود را به غفلت بزند و چنان وانمود کند که از خطای او آگاهی ندارد تا شخص، از انجام عمل خویش پشیمان شود. امام علی (ع) می‌فرماید: « اشرف اخلاق الکریم کثرة تغافله عما یعلم »^{۴۵} بزرگ‌ترین ویژگی اخلاق افراد کریم، زیادی تغافل آن‌ها از چیزهایی است که می‌دانند. البته از این روش در جای به کار گرفته می‌شود که تأثیر گذار بوده و طرف بنای تکرار اشتباه را نداشته باشد

نتیجه

از مطالب بیان‌شده به این نتیجه می‌رسیم که امام علی (ع) یک نظام جامع تربیتی در زمینه تربیت فرزند، ارائه نموده است. در دیدگاه تربیتی حضرت امیر (ع) به عنوان یک مربی نمونه، هم از اهمیت و ضرورت تربیت و ساحت‌های آن و هم از به کارگیری شیوه‌های مؤثر در تربیت فرزند، سخن بیان آمده است. که در مجموع حکایت از جامعیت نظام تربیتی آن حضرت دارد. از نگاه امام علی (ع) والدین نقش اساسی در تربیت فرزند دارد و تربیت نیک فرزند را یکی از وظایف والدین و از جمله حقوق فرزند بر والدین برشمرده است؛ زیرا فرزندان تا قبل از بلوغ غالباً تحت نظر والدین قرار دارد و تأثیرپذیری در تربیت نیز بیشتر در این سنین است. لذا است که امیرالمؤمنین توصیه‌های اکید دارد که ادب‌آموزی باید از همان آغاز طفولیت به کار گرفته شود و در به کارگیری شیوه‌های تربیت، اولویت را به تکریم شخصیت فرزند، تحسین و تشویق داده و از سخت‌گیری‌های غیرمعقول، توهین، تحقیر و تنبیه بدنی تا حد ممکن پرهیز گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، مدخل رب، ص ۳۳۶.
۲. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۳۹۹.
۳. خوانساری، محمد، شرح غررالحکم و درر الکلم آمدی، ج ۶، ص ۳۵۳.
۴. همان، ج ۳، ص ۴۳۸.
۵. همان، ج ۲، ص ۱۴۱.
۶. همان، ج ۶، ص ۲۲۲.
۷. همان، ج ۶، ص ۲۲۴.
۸. نهج البلاغه، حکمت ۴۵۳.
۹. همان، حکمت ۳۹۹.
۱۰. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲۵.
۱۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۱۲. رسولی محلاتی، هاشم، وصایاء الرسول و الائمه (ع)، ص ۱۸۴.
۱۳. خوانساری، محمد، شرح غررالحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۳۵۳.
۱۴. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۵.
۱۵. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۳۸۴.
۱۷. ر.ک: مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۲، ص ۱۷۹.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۷.
۱۹. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۲۰. تحف العقول، ص ۱۹.
۲۱. همان، ص ۴۸.
۲۲. همان، ص ۸۷.
۲۳. نهج البلاغه، صبحی صالح، ص ۷۹۳.
۲۴. تحف العقول، ص ۸۰.
۲۵. همان، ص ۸۸.
۲۶. همان، ص ۶۸.
۲۷. تحف العقول، ص ۴۸.
۲۸. همان، ص ۹۸.
۲۹. همان، ص ۸۸.
۳۰. نهج البلاغه، ص ۳۰۴.
۳۱. نهج البلاغه، نامه ۳۱.
۳۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱. (ترجمه دشتی ص ۱۵۶)

۳۳. همان، ص ۱۹۳.
۳۴. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۵.
۳۵. نهج الفصاحه، ص ۲۳۹.
۳۶. غررالحکم، ج ۷، ص ۳۵۹.
۳۷. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، واژه تشویق.
۳۸. همان، واژه تنبیه.
۳۹. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۸.
۴۰. شرح غررالحکم، ج ۴، ص ۲۳۱.
۴۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۴۷.
۴۲. شرح غررالحکم، ج ۵، ص ۱۶۰.
۴۳. نهج البلاغه، حکمت ۳۲۷.
۴۴. بحار الانوار، ص ۷۷، ص ۲۱۳.
۴۵. محمد ری شهری، میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۶۸.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابراهیم امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۳ ش.
۳. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمدابولفضل ابراهیم، چاپ اول، دار احیاء الکتب العربیه، مصر، ۱۳۷۸ ق.
۴. ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابو محمد الحسن بن شعبه الحرانی، تحف العقول عن آل الرسول، مکتبه بصیرتی، قم ۱۳۹۴ ق.
۶. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار پیامبر، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
۷. حر عاملی، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۴، ۱۳۹۱ ه. ق.
۸. حسین طبرسی، مستدرک الوسائل، الطبعه الثانيه، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۹. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، قم؛ ذوی القربی، ۱۳۸۷ چاپ اول؛ ج ۱.
۱۰. سید احمد احمدی، اصول و روش های تربیت در اسلام، دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ش.
۱۱. سید جمال الدین دین پرور، فرزندانم چنین باش، بنیاد نهج البلاغه، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ ش.
۱۲. شیخ صدوق، خصال، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ج ۱، ۱۴۰۳ ه.

۱۳. صبح صالح، نهج البلاغه، چاپ اول، بیروت، ۱۳۷۸ ق.
۱۴. عبدالحمید تمیمی آمدی، غررالحکم و درر الکلم، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. علی اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، چاپ اول، سازمان لغتنامه دهخدا، ۱۳۵۲ ش.
۱۶. فیض الاسلام، نهج البلاغه، انتشارات فقیه، بی تا.
۱۷. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، تعلیقه؛ علی شیر، الطبعة الاولى، التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
۱۸. محمد خدا یاری فرد، مسائل نوجوانان و جوانان، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، بهار ۱۳۷۷ ش.
۱۹. محمد خوانساری، شرح غررالحکم و درر الکلم، با مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال الدین حسینی ارموی، چاپ سوم، دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش.
۲۰. محمد سپهری، ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد (ع)، مؤسسه انتشارات دارالعلم، چاپ اول، ۱۳۷۰ ش.
۲۱. محمد معین، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰ ش.
۲۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، الطبعة الثانية، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. محمدباقر محمودی، نهج السعاده فی مستدرک نهج البلاغه، چاپ اول، مؤسسه اعلمی، بیروت، ۱۳۹۷ هـ-ق.
۲۴. محمدحسن آموزگار، اخلاق و تربیت اسلامی، ج ۱، انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۵. محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، الحیاء، ترجمه احمد آرام، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۷ ش.
۲۶. محمدرضا شرفی، با فرزند خود چگونه رفتار کنیم، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
۲۷. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، تحقیق سید محمد کلاتر، الطبعة الثانية، منشورات جامعه النجف الدینی، ۱۳۸۳ ق.
۲۸. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۲ ش.
۲۹. مرتضی مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ بیستم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۱ ش.
۳۰. ملا محسن فیض کاشانی، المحجیة البیضاء، قم؛ مؤسسه احیاء الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۶ هـ-ق.
۳۱. هاشم رسولی محلاتی، وصایاء الرسول و الائمه (ع) با ترجمه فارسی. تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۹ ش.
۳۲. یعقوب کلینی، الکافی، تصحیح و تعلیق، علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ ق.